



شعر آمریکای لاتین در قرن بیستم

اشاره:

شعر آمریکای لاتین در قرن بیستم
 مترجم: فریده حسن‌زاده (مصطفوی)
 ناشر: نشر ثالث
 چاپ اول، تهران، 1382

... مادری روی برف راه می‌رود
 مادری دیگر روی یخ
 مادری دیگر روی ماسه
 مادری از میان مرغزار می‌گذرد
 مادری هفت‌تیر خود را شلیک می‌کند ... (نیکانورپارا - شیلی)

شعر قرن بیستم آمریکای لاتین شاید بیش از شعر هر جای دیگر جهان در ایران حضوری آشکار و تأثیرگذار دارد. و البته این حضور و وضوح در زمان بیشتر است. تردیدی نیست که «بورحسن» آرژانتینی، «نرودا» ی شیلیایی، «پاز» مکزیک و ... بالاخره «چه‌گوارا» ی آرژانتینی - کوبایی، بیش از دیگران در سرزمین ما شناسنامه‌ای شناخته شده دارند. و این آخری؛ یعنی «ارنستو چه‌گوارا» بیشتر به خاطر شخصیت انقلابی و زندگی مبارزاتی‌اش علیه امپریالسم و چند سالی پیش از انقلاب اسلامی 57 شهرت سیاسی داشته است. حتی بیش از دیگر مبارزان جهان در بین روشنفکران و دانشجویان انقلابی آن سالها ... به هر روی - کتاب «شعر آمریکای لاتین در قرن بیستم» جنگ شعر معاصر آمریکای لاتین است. و شاید زنده‌ترین شعر جهان امروز، و در بردارنده آثار 33 شاعر که هر یک به سبب تأثیری تاریخی که بر شعر امروز جهان داشته‌اند، می‌توانند غولهای زیبای شعر جهان باشند. ضمن آنکه چند تن از آنان چون: اوکتاویو پاز و پابلو نرودا جایزه ادبی نوبل را نیز به قاره سبزشان برده‌اند.

شعر آمریکای لاتین در قرن بیستم، از یک مقدمه و بخش معرفی شاعران به ترتیب الفبایی نام سرزمینشان شکل یافته است. در مقدمه مترجم به نقش فرهنگی شعر در کشورهای آمریکای جنوبی و جایگاه متفاوت آن در اروپا و آمریکای شمالی می‌پردازد. جایگاه و پایگاه شاعران و نویسندگان در آمریکای لاتین تا آن مایه محکم و استوار است که مردم، گاه آنان را حتی شایسته قبول مسئولیتهای سنگین اجتماعی و سیاسی می‌دانند. چنان که به تصریح نویسنده پابلو نرودا تا مرز انتخاب شدن به عنوان ریاست جمهوری شیلی پیش می‌رود. از سوی دیگر با وجود اینکه شمار باسوادان در آمریکای لاتین بسیار کمتر از باسوادان آمریکای شمالی است، لیکن هرگز نویسندگان و شاعران و آثارشان چندان که در آمریکای لاتین ریشه مردمی یافته است، در آمریکای شمالی مردمی نشده است و بر زبان مردم در مناسبات روزمره مثل آنچه در آمریکای لاتین اتفاق افتاده، قرار نگرفته است. ماجرای را که مترجم از قول استفان پتسکوتی، استاد دانشگاه کمبریج، نقل می‌کند و در آن به آواز پسر بچه‌ای هندوانه فروش در خیابانهای سانتیاگو اشاره دارد که شعری به نام «غزلواره‌ای برای هندوانه» از نرودا می‌خواند، نشان می‌دهد که شعر آمریکای لاتین تا چه مایه در ذهن و زبان مردم نهادینه شده است. استفان پتسکوی نقل می‌کند که در خیابانهای سانتیاگو پسر بچه‌ای هندوانه‌فروش همچنان که گاری دستنی قراضه‌اش را راه می‌برد، برای سینی پر از هندوانه زمزمه می‌کرد:

هندوانه میوه درخت عطش

و بال سبز تابستان است ...

مدتها بعد در می‌یابد که این مصرعها از اشعار نروداست.

که پسر بچه‌ای که - به گفته این استاد دانشگاه کمبریج - سواد درست و حسابی نداشت، از پر می‌خواند، همین موقعیت را شاعران دیگر آمریکای لاتین همچون «پاز» دارند.

این کتاب از منظر دیگری نیز قابل مطالعه است و آن این است که خواننده ایرانی با مطالعه آثار شاعران کشورهای بزرگ آمریکای لاتین به راز بزرگی جهانی شدن این شاعران و اصولاً قابلیت‌های همه جایی و همه جهانی شدن شعر آن قاره عجیب را درمی‌یابد. و برای این دو پرسش همیشه پاسخی درخور می‌گیرد که رنگ و آهنگ بومی و اقلیمی این آثار تا چه مایه در جهانی شدن آنها تأثیر داشته است؟

و اصولاً برای اینکه زبان یک شاعر، زبان همه جهان شود، به چه مؤلفه‌های فکری، ذهنی و زبانی نیازمند است؟ پاسخ درست و منصفانه به این دو پرسش بی‌شک می‌تواند بسیاری از سفسطه‌های نظری را درباره تعریف شعر چندصدایی و شعر جهانی

در آشفته‌بازار نقد و نظر ما به چالش بگیرد. و احياناً از چهره‌هايي پرده‌برداري کند که با سوء استفاده از سادگي قلبهاي جوان، کالاهاي تقليبي مي‌فروشند ...!

نقل هماهنگ و همراه آثار شاعران به زبان انگليسي در کنار برگردان فارسي مي‌تواند در کشف قابليت‌هاي اصل شعر و نيز توان مترجم در برگردان مؤثر باشد. تنوع حضور شاعران، تنوع شعر از منظر موضوع و معنا را نيز در پي داشته است. در «شعر آمريکاي لاتين در قرن بيستم» همه چيز را مي‌خوانيم از سياست تا عشق، از عشق تا زندگي اجتماعي و روزمرگي، از ستايش شعر تا ستايش مادر و ... به زبان تصوير، که زبان جهان است:

طعم شانه‌هايت، ماه اول زمستان
 عطر دستانت، ماه اول بهار
 همچون روح صدها آينه
 بازتاب جام توأم
 شب هنگام در نيهاي صداي مني. (کارلوس پليسر - مکزيک)

گرداگرد خود صداي پاي آشنائيت را مي‌شنوم
 گام‌هايت همچون گذر پاره‌اي ابر يا رودخانه‌اي آرام ...
 (خورخه آندراده - اکوادور)
 مادري روي برف راه مي‌رود
 مادري ديگر روي يخ
 مادري ديگر روي ماسه
 مادري از ميان مرغزار مي‌گذرد
 مادري هفت تير خود را شليک مي‌کند ... (نيکانور پارا، شيلي)



پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
 رتال جامع علوم انساني